



رَدِّ پَه

حماسه ایرانیان و دوگانه ملت - امت

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات
(خوزه‌های علمی)

شبهه‌شناسی

گفت‌وگو با دانش‌پژوهان

ضمیمه ماهنامه شبهات

shobhe.pasokh.org

فهرست

۵ مقدمه

۷ چکیده

۱۱ شبهه

- ۱۲ تقابل اسلام و ایران در ادبیات روشنفکری
- ۱۵ تعامل بین اسلام و ایران
- ۱۷ صفویه و شکل‌گیری هویت جدید ایرانیان
- ۲۴ عنصر ولایت مهمترین عنصر فرهنگ سیاسی ایرانیان
- ۲۵ ۱. دفاع از مرزها و سرزمین ایران در مقابل تهاجم نظامی
استعمار
- ۲۸ ۲. نهضت تحریم تنباکو
- ۳۳ ۳. نهضت مشروطه
- ۳۸ ۴. نهضت ملی شدن نفت
- ۴۲ ۵. نهضت امام خمینی رحمة الله علیه
- ۴۲ همراهی امت و ملت در حمایت از منافع یکدیگر

۴۵ جمع‌بندی

مقدمه

"دوگانه امت و ملت" که پس از پیروزی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه از سوی برخی مطرح گردید، موجب تلخ کامی مردم شد و از این رهگذر تلاش کردند تا وحدت به وجود آمده در میان آحاد ملت را خدشه دار نمایند.

این در حالی است که مردم ایران که به گفته سردار سلیمانی «ملت امام حسین علیه السلام» هستند با وجود تنوع فرهنگی، مذهبی و سیاسی، حول محور «عنصر ولایت» وحدت و انسجام یافته اند.

در این شماره از ردیه با عنوان «حماسه ایرانیان و دوگانه امت یا ملت» تلاش می‌کنیم به این شبهه که عامل وحدت بخش ایرانیان چه بوده است به صورت تفصیلی پاسخ دهیم.

"ردیه" پاسخی به شبهات بنیادین، اساسی و پایه‌ای است؛ شبهاتی که سبب ایجاد شک و تردید در مبانی و

بنیادهای اعتقادی، باورهای مهم و تأثیرگذار دینی شده
و ذهن و عاطفه مخاطبان را با چالش روبرو می‌کند.

بر خود لازم می‌دانیم از زحمات جناب حجت الاسلام
دکتر مهدی ابوطالبی جهت نگارش این اثر تشکر
نماییم.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

حوزه‌های علمیه

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله به بررسی تاریخی-تحلیلی دوگانه «امت و ملت» در ایران می‌پردازد و با تأکید بر نقش تشیع و مفهوم «ولایت» به عنوان عناصر هویت‌ساز، ادعای تقابل بین ملیت ایرانی و امت اسلامی را رد می‌کند. هدف اصلی پژوهش، تبیین عوامل وحدت‌بخش ایرانیان در بحران‌های سیاسی-اجتماعی و دفاعی با تکیه بر اسناد تاریخی است.

روش پژوهش: مطالعه حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای (متون تاریخی، فتوای علما، و اسناد سیاسی) انجام شده است. داده‌ها با رویکردی انتقادی به گفتمان‌های روشنفکری غرب‌گرا و تحلیل نقش نهاد مرجعیت شیعه در نهضت‌های مردمی بررسی شده‌اند.

یافته‌های کلیدی: عنصر «ولایت» به‌ویژه در قالب

عنصر ولایت که در قالب محبت به اهل بیت علیهم السلام و نیابت فقها از اهل بیت علیهم السلام تجلی یافته، عامل اصلی وحدت ملی و دفاع از منافع ملی در رویدادهایی مثل جنگ‌های ایران و روس، نهضت تنباکو، مشروطه، ملی شدن نفت، و انقلاب اسلامی بوده است.

هویت ملی ایرانیان از دوره صفویه با تشیع امامی تلفیق شد و این ترکیب در مقابله با پروژه غرب‌گرایانه پهلوی و گفتمان‌های باستان‌گرا مقاومت کرد.

نهضت‌های مردمی ایران نشان می‌دهند که بسیج عمومی نه بر اساس ملی‌گرایی صرف، بلکه با تکیه بر گفتمان امت اسلامی و رهبری علما شکل گرفته است.

همگرایی امت و ملت در عرصه بین‌المللی (مانند دفاع مقدس و جبهه مقاومت) مؤید کارکرد عملی این الگوی هویتی است.

از این رو دوگانه «امت و ملت» فاقد پایه تاریخی در ایران است. هویت ایرانی در سده‌های اخیر برآیندی از «ایرانیّت» و «تشیع» با محوریت ولایت فقیه بوده که در بحران‌ها عامل انسجام ملی و مقاومت در برابر استعمار بوده است. این پژوهش بر ضرورت بازتعریف هویت ملی بر اساس این الگوی ترکیبی در مطالعات سیاسی-اجتماعی تأکید دارد.

شبّهات ذیل شبّه اصلی:

شبّه ملی‌گرایی به جای امت‌گرایی

شبّه تقابل اسلام و ایرانیت

شبّه بیگانگی تشیع با هویت ملی

شبّه غیرملی بودن نهضت‌های مردمی

شبهه

در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، یکی از اتفاقات مهم و قابل توجه، وحدت و انسجام ملت ایران (اعم از مردم و مسوولین) در مقابله با حملات دشمن و دفاع نظامی از سرزمین‌های اسلامی و مدیریت حوادث و پیامدهای جنگ بود. اقشار مختلف جامعه با درجات مختلف مذهبی، دیدگاه‌های متنوع اعتقادی، سلايق متفاوت سیاسی، حتی کسانی که به نوعی مخالفت‌هایی با نظام جمهوری اسلامی داشتند چه در داخل و چه در خارج از کشور موجب پیروزی مقتدرانه ملت ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شد.

متحد شدن ملت ایران با این تنوع عجیب فرهنگی، مذهبی، اعتقادی و سیاسی موجب شد که برخی مدعی شوند که آنچه موجب این وحدت و یکپارچگی شد، ملیت ایرانی و عرق ملی و حب وطن بود که وجه مشترک همه

این گروه‌های مختلف بود. لذا نظام اسلامی به جای تأکید بر امت‌گرایی و امت واحد اسلامی که در دوران پس از انقلاب بیشتر بر آن تأکید شده است، باید بر ملیت و ملی‌گرایی تأکید کند و این نگاه را محور برنامه‌ها و سیاست‌های خود قرار دهد. آنها معتقدند تأکید بر امت اسلامی و محور قراردادن آن به ویژه در سیاست خارجی عامل انشقاق و جدایی ملت ایران و تحمیل هزینه‌های فراوان به ملت ایران شده است. در حالی که ملت‌گرایی جاذبه بیشتری برای جمع کردن اقشار مختلف جامعه دارد و می‌تواند عامل تحولات مهم سیاسی اجتماعی باشد.

تقابل اسلام و ایران در ادبیات روشنفکری

دوگانه امت - ملت که متأسفانه اخیراً به دلیل جهالت یا خیانت برخی افراد مطرح شده است، ریشه در دوگانه اسلام - ایران دارد که اولین بار در دوران معاصر توسط منورالفکران ملحدی مثل فتحعلی آخوندزاده مطرح و بعدها در دوره پهلوی بیشتر به آن دمیده شد. ریشه این مسأله به نحوه شکل‌گیری جریان روشنفکری در ایران برمی‌گردد. جریان روشنفکری در ایران که متأثر از فضای منورالفکری و عصر روشنگری اروپا شکل گرفت، به تعبیر مقام معظم رهبری بیمار

متولد شد.^۱

دو عامل اصلی این شکل‌گیری بیمارگونه، غرب‌گرایی افراطی و بی‌اعتنایی به سنت‌های بومی و حتی دشمنی با اعتقادات دینی است. از آنجا که این افراد کعبه آمال خود را غرب می‌دانستند و معتقد بودند که تنها راه پیشرفت، کنار گذاشتن سنت‌ها و باورهای بومی و روی آوردن به الگوها و مدل‌های غربی است، تمام تلاش خود را برای غربی کردن ایران در ابعاد مختلف به کار بستند. اما چون مانع اصلی برای گسترش تفکر غرب‌گرایی و غربی کردن ایران را دین و عالمان دینی می‌دیدند، به مقابله با هر نوع تجلی سیاسی اجتماعی دین برآمدند. یکی از مهمترین اقدامات آنها حذف دین از عرصه هویت اجتماعی بود که با ایجاد تقابل بین اسلام و ایران با تأکید بر ایران باستان و عناصر باستانی مثل دین زردشت، این هدف را دنبال کردند.

آنها با ترویج ناسیونالیسم ایرانی و ستایش از ایران باستان و تعریف و تمجید از ایران و دین و فرهنگ ایرانی پیش از اسلام به تخریب اسلام و القاء تأثیر

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲.

منفی آن بر ایران و تمدن ایرانی می‌پرداختند. فتحعلی آخوندزاده از اولین منورالفکران ایرانی، مشکل اصلی ایران را اسلام می‌داند و معتقد است تمام دوران ایران اسلامی، دورانی است که ایرانیان به اشتباه و خطا رفته‌اند و یکی از راه‌های برون‌رفت از این مشکل، توجه به ایران باستان و قبل از اسلام است.^۱

وی همواره بر تقابل اسلام و ایران باستان تأکید کرده و حضور اسلام در ایران را در قالب یک هجوم نژادی و قبیله‌ای تصویر کرده و از آیین‌های دینی با عنوان رسوم عرب نام برده و معتقد است که با ورود اسلام به ایران تمام آبادی‌ها و دارایی‌های سیاسی و فرهنگی ایران از بین رفته و دین اسلام مایه ذلت و بدبختی ایرانیان شده است.^۲ وی و هم‌فکرانش به دلیل الحاد فکری که دارند به رغم این که در آثار خود، همه نوع از ادیان حتی بابی‌گری را مورد حمله قرار می‌دهند؛ ولی از دین زردشتی چون متعلق به ایران باستان است، تعریف و تجلیل می‌کنند.^۳

آقاخان کرمانی نیز همانند آخوندزاده، با وجود این که اساس ادیان را اموری موهوم و خرافی می‌داند، ولی

۱. مکتوبات کمال الدوله، ص ۱۷.

۲. الفبای جدید و مکتوبات، ص ۱۷۲.

۳. میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۱۲۸.

هنگامی که بحث از دین زردشت می‌شود، بویژه در مقام مقایسه با اسلام از آن بسیار تجلیل می‌کند:

گمان ندارم هیچ کیشی تا کنون به طبع ایرانیان موافق دین زردشت شده باشد... برخلاف دین زردشت، دین اسلام مناسب قبایل وحشی و دزدمزاج بود که راهی برای معاش و زندگانی خود جز غارت و یغما نداشتند. و جز طریق فحشاء و بی‌باکی نمی‌پیمودند، و انواع فحشاء و ظلم در میان‌شان شایع بوده است و قدر مسلم نمی‌تواند به اعتدال دین زردشت برسد.^۱

او مسلمانان را مثنی عرب برهنه و وحشی و راهزنان بیابانی می‌داند که در زمانی که ایران دارای قافله تمدنی بود، آیین پاک و روشن و شرف تابناک ایران را به دین موهوم و خدای مجهول و پیغمبر اُمّی تبدیل کردند و ریشه ایرانی‌گری و درخت بزرگواری را از خاک ایران برکنند و برباد دادند.^۲ این نوع تقابل بین اسلام و ایران در آثار این منورالفکران بسیار فراوان است.

تعامل بین اسلام و ایران

برخلاف ادعای این افراد که بین ایرانیت و ملیت ایرانی و دین اسلام یک تقابل جدید ایجاد می‌کنند،

۱. سیر تفکر معاصر در ایران، ج ۶، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۲. اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

واقعیت این است که ایرانیان به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اعتقادی، از جمله بی‌عدالتی اواخر دوران حکومت ساسانی که حتی منجر به قیام افرادی مثل مزدک در همان دوران قبل از اسلام علیه حکومت ساسانی شد و همچنین همراهی موبدان زرتشتی با این بی‌عدالتی حکومت ساسانی، چندان دل خوشی از حکومت ساسانی و عالمان دینی زردشتی نداشتند.

ضمن اینکه وقتی اسلام وارد ایران شد، محتوای دین اسلام را مخالف باورهای اصیل عقلی و حتی دینی خود ندیدند لذا از اسلام استقبال کردند. به تعبیر استاد مطهری علت مسلمان شدن ایرانیان این بود که ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گم‌گشته خود را در اسلام یافت و از آنجا که مردم ایران که طبعاً مردمی باهوش بودند و به علاوه، سابقه فرهنگ و تمدن داشتند، بیش از هر ملت دیگر نسبت به اسلام شیفتگی نشان دادند و به آن خدمت کردند.^۱ به همین دلیل هم ایرانیان توانستند سهم بسیار بالایی در تمدن اسلامی ایفا کنند؛ تا جایی که به گفته اغلب مورخان و پژوهشگران، ایرانی‌ها بودند که حوزه علوم اعم از دینی و غیر دینی را بر عهده داشته و پیش

۱. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۳۶.

می‌بردند.

ابن خلدون در این باره می‌نویسد: «بیشتر دانندگان حدیث که آنها را برای اسلام حفظ کرده بودند، ایرانی بودند یا از لحاظ زبان و مهد تربیت، ایرانی به شمار می‌رفتند و همه عالمان اصول فقه چنان که می‌دانیم و هم کلیه علمای علم کلام و بیشتر مفسران، ایرانی بودند و بجز ایرانیان کسی به حفظ و تدوین علم قیام نکرد».^۱

صفویه و شکل‌گیری هویت جدید ایرانیان

ظهور صفویه در ایران و اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور و تلاش شاهان صفوی برای رسمیت بخشیدن و گسترش تشیع در ایران، دوران جدیدی را در تاریخ ایران اسلامی رقم زد. به تعبیر دیگر همان‌طور که فلاسفه معتقدند «هر تاریخی با امکان‌هایی که مشخص می‌کند و افق‌هایی که می‌گشاید شروع می‌شود»^۲، دوره جدید تاریخ ایران نیز با ظرفیت‌هایی که تشیع در اختیار ایرانیان قرار داد و با افقی که پیش‌روی آنها گشود، آغاز شد. استاد مطهری علت اقبال ایرانیان به تشیع را همان نکته اقبال

۱. ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۱۴۸، ۱۱۵۱.

۲. رضا داوری اردکانی، تاریخ و عبرت، ص ۲۱.

ایرانیان به اسلام می‌داند، ایشان می‌نویسد:

«حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدنشان یک چیز است ... مردم ایران بیش از هر ملت دیگر به روح و معنای اسلام توجه داشتند. به همین دلیل توجه ایرانیان به خاندان رسالت از هر ملت دیگر بیشتر بود و تشیع در میان ایرانیان نفوذ بیشتری یافت؛ یعنی ایرانیان روح اسلام و معنای اسلام را در نزد خاندان رسالت یافتند. فقط خاندان رسالت بودند که پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهای واقعی روح ایرانیان بودند».^۱

چنین توجهی که ایرانیان به اسلام و تشیع داشتند باعث شد با رسمیت یافتن مذهب شیعه و حضور علمای شیعه در ایران و تبلیغ فرهنگ و آموزه‌های شیعه توسط علما و فعالیت‌های فرهنگی برخی از شاهان صفوی مثل شاه طهماسب، تشیع در دل و جان مردم نفوذ یافت و در فرهنگ عمومی آنها گسترش پیدا کرد. این نفوذ تا حدی بود که به تعبیر بسیاری از محققین ایرانی و غربی تشیع به عنوان یکی از عناصر اصلی هویت ملی ایرانیان درآمد.

۱. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۳۶.

نویسندگان تاریخ ایران کمبریج معتقدند در دوره صفویه شاهد ارتقای تشیع دوازده امامی و درآمیختگی عملی ایران و تشیع در یک قالب مذهبی - ملی هستیم.^۱

گسترش فرهنگ شیعی در میان مردم و عنصر شیعی در فرهنگ و هویت ایرانیان تا حدی است که این عنصر نسبت به سایر عناصر فرهنگی موجود در هویت ملی ایرانیان بالاترین رتبه و جایگاه را دارد. به گونه‌ای که بعد از صفویه هرگاه در هر دوره‌ای که حاکمان ایرانی خواستند این عنصر را در فرهنگ و جامعه ایرانی تضعیف کنند و عناصر دیگری را اولویت دهند، با مقابله شدید مردم مواجه شده و سیاست آنها به شکست انجامید. به عنوان مثال نادرشاه افشار می‌خواست با اقداماتی مثل طرح وحدت پنج مذهب (چهار مذهب اهل سنت و مذهب شیعه) و ضرب سکه به نام چهار خلیفه (ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیه السلام) به جای دوازده امام علیه السلام عنصر شیعی را در فرهنگ ایرانی کم رنگ کند، اما مورد اقبال واقع نشد و سرانجام توسط سربازان خود کشته شد و نتوانست این فرهنگ را تغییر دهد.

رضاخان و پسرش محمدرضا نیز می‌خواستند

۱. جمعی از نویسندگان، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵ ص ۲۱۷.

فرهنگ و نمادهای ایران باستان را جایگزین فرهنگ مذهبی و دینی مردم نمایند، ولی این کار آنها نیز نه تنها مورد پذیرش مردم واقع نشد، بلکه واکنش شدید و عکس‌العمل منفی آنها را نیز در پی داشت و در نهایت به انقلاب اسلامی و سقوط سلطنت آنان منجر شد.^۱

نیکی کدی نیز بر همین اساس معتقد است بعد از صفویه حتی عنصر شیعی بر عنصر ایرانی غلبه یافته است. وی در این زمینه می‌نویسد:

بعد از صفویه، عنصر شیعی جزئی از هویت بومی ایران شد و حتی از عنصر ایرانی آن مهم‌تر بود هرچند که غالباً لزومی به تمییز بین این دو عنصر وجود نداشت و از زمان صفویه تاکنون ایرانی‌گرایی و شیعه‌گرایی در نظر بسیاری از مردم بخشی از یک جریان واحد است.^۲

وقتی سخن از تشیع و نقش آن در تکوین هویت ملی ایرانیان می‌رود، غالباً متوجه تشیع به عنوان یک مذهب ظاهری می‌شویم در حالی که بایستی میان دو سطح اجمال و تفصیل تشیع تفکیک کرد. منظور از سطح اجمال، آن چیزی است که در روح تفکر و

۱. ر.ک: موسی نجفی، جریان‌شناسی و فلسفه سیاسی در تاریخ معاصر

ایران، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۹، ص ۲۹-۳۳.

۲. نیکی کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۵۱.

اندیشه‌های شیعه نهفته است و شالوده اساسی آن را تشکیل می‌دهد، که می‌توان گفت همان عنصر «ولایت اهل بیت ع» است. لذا وقتی سخن از عدم تفکیک بین تشیع و ایرانیت می‌شود به این معنا نیست که همه ایرانیان از لحاظ عقیده مذهبی شیعه شده‌اند بلکه به این معناست که همه ایرانیان از شیعه و سنی، مسلمان و اهل کتاب، همه ارادتمند اهل بیت علیهم‌السلام و متأثر از ولایت اهل بیت علیهم‌السلام هستند و حتی مسیحیان و ارمنی‌ها هم هیأت و تکیه عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام دارند.

لذا برخی از محققین در مورد ایرانیان اهل سنت قبل از پذیرش مذهب تشیع، تعبیر به «سنی دوازده امامی» کرده‌اند.^۱ این عنصر ولایت، موجب شکل‌گیری ملت ایرانی با عنوان «ملت امام حسین علیه‌السلام» شد که ترکیبی از ایرانیان شیعه و سنی، یهودی و مسیحی و زرتشی است.

فرهنگ رجایی نیز معتقد است در این مرحله، ایرانی مستقل در عرصه ملی و جهانی ظهور کرد و یک هویت تازه روزآمد در ایران سامان گرفت.^۲

۱. رک: رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۲۵.

۲. رک: فرهنگ رجایی، مسئله هویت ملی ایرانیان، ص ۱۳۱، ۱۲۴.

جامعه ایران بویژه پس از تثبیت هویت اسلامی - شیعی خود در دوره صفوی، هر چند از نظر اجتماعی - اقتصادی یکپارچه نبود و فواصل بسیار زیادی بین طبقات بالا، پایین و میانی وجود داشت ولی از نظر نظام ارزشی - فرهنگی، از همگونی و انسجام نسبتاً بالایی برخوردار بود و به استثنای تمایزات دینی - مذهبی که بین ایرانیان مسلمان و غیر مسلمان و مسلمانان شیعه و غیر شیعه وجود داشت، به لحاظ هژمونی بالای تعداد زیاد مسلمان شیعه، این تمایزات در اکثر مناطق جلوه چندانی نداشت و تقریباً اقشار و طبقات مختلف اجتماعی هر چند از لحاظ اقتصادی و منزلت اجتماعی تمایزات چشم‌گیری داشتند ولی تقریباً همه آنها از نظام ارزشی واحدی برخوردار بودند.^۱

به طور کلی ظهور صفویه در ایران موجب ایجاد ثبات و حیات جدید با حاکمیت مستقل شیعی در کشور شده و به اعتراف بسیاری از محققین، مذهب شیعه در این حیات جدید نقش بسیار مؤثری داشته است:

تشیع در عصر صفوی به عنوان مذهب رسمی، امکان تثبیت کشور در سیمای امروزی را فراهم ساخت و نقطه پایان بر شورش‌های مردمی نهاد که تا این زمان به نام

۱. علی محمد حاضری، هویت تاریخی و انسان‌شناسی انقلاب عامل مغفول تبیین‌های انقلاب اسلامی، مندرج در فصلنامه متین، شماره ۳ و ۴،

شیعه (علیه حکومت‌های سنی) صورت می‌گرفت.^۱

دوران حاکمیت صفویه به عنوان یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران از لحاظ رشد و بالندگی کشور و ملت ایران به حساب می‌آید. در این دوره تعامل ایرانیان با اسلام و جهان‌بینی اسلامی بالاتر رفت و به تولید همه جانبه دست زدند و علاوه بر حوزه‌های فرهنگ و علم در حوزه حاکمیت و سیاست نیز چارچوب استواری به وجود آوردند. به گونه‌ای که پس از گذشت نزدیک به یک هزاره، یعنی از ۶۴۲ میلادی تا ۱۵۰۱ میلادی، ایرانی مستقل بر عرصه ملی و جهانی ظهور کرد.^۲

موفقیت‌های روزافزون صفویان در دوران حاکمیت بر ایران تا جایی است که نگاه تحسین برانگیز جهان‌گردان خارجی را نیز متوجه خود کرده است و به ویژه در دوران اوج حکومت صفویه تعریف و تمجیدهای فراوانی در باب رشد و بالندگی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی ایران در آثار این جهان‌گردان به چشم می‌خورد که در این مقال مجال پرداختن به آن نیست.^۳

۱. ر.ک: لیلی عشقی، زمانی غیرزمان‌ها، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵.

۲. ر.ک: فرهنگ رجایی، مشکله هویت ملی ایرانیان، ص ۱۳۱، ۱۲۴.

۳. به عنوان نمونه ر.ک: ژان، شاردن، سفرنامه شاردن.

دوران حکومت صفوی یکی از دوران‌های طلایی تاریخ ایران است که به تعبیر فرناند برودل مورخ فرانسوی، ایران به دومین قدرت روی زمین مبدل گردید و مهم‌تر از آن، صورت‌بندی يك هویت تازه روزآمد، ایرانی و اسلامی برای ایرانیان در این دوره است.^۱

عنصر ولایت مهمترین عنصر تاثیرگذار در دفاع از منافع ملی در تحولات سیاسی معاصر

با شکل‌گیری هویت جدید ایرانیان با محوریت تشیع، طبیعتاً فرهنگ سیاسی ایرانیان نیز متأثر از فرهنگ سیاسی شیعه شد. لذا در پانصد سال اخیر تشیع جزء اصلی هویت ملی ایرانیان و عنصر ولایت مهمترین عنصر فرهنگ سیاسی ایرانیان بوده است. از این زمان به بعد مهم‌ترین تحولات و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی تاریخ ایران با تکیه بر همین مؤلفه‌های شیعی به ویژه عنصر ولایت شکل گرفته است.

ولایت به دو معنای ولایت سیاسی اهل بیت علیهم السلام و به معنای تولی نسبت به اهل بیت و تبری نسبت به دشمنان آنهاست. تداوم ولایت سیاسی اهل بیت علیهم السلام در عصر غیبت در قالب ولایت فقیه

۱. فرهنگ رجایی، مسئله هویت ایرانیان امروز، ص ۱۳۱.

به عنوان نائب عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد. در دوران معاصر که ایرانیان برای پیشرفت، با دو مانع اصلی یعنی استعمار خارجی و استبداد داخلی مواجه بودند و همواره مورد هجمه شدید استعمار بودند، مهمترین عامل برای حفظ منافع ملی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، اتحاد و انسجام مردم در قالب رابطه ولایی بین مردم و فقهای شیعه بوده است که به اجمال به آن اشاره خواهد شد.

۱. دفاع از مرزها و سرزمین ایران در مقابل تهاجم نظامی استعمار

یکی از هجمه‌های استعمار علیه ایران هجمه نظامی است. روس‌ها و انگلیس‌ها که هرکدام به نوعی به مرزهای ایران دسترسی داشتند در مقاطع مختلف، نقاط مرزی ایران در شمال و جنوب را اشغال می‌کردند و قصد تصرف این سرزمین‌ها را داشتند. در تمام این موارد فتاوی مشهور علمای شیعه مثل کاشف الغطاء، نراقی، صاحب ریاض و فرزندش، میرزای قمی، عبدالحسین لاری، بلادی، اهرمی و ... موجب حضور مردم در مناطق مرزی و دفاع از کیان و ناموس ایرانیان و آزادی سرزمین‌های اشغالی شد. همه این فتاوا و عمل

مردم به این فتاوا بر مبنای ولایت فقیه و نیابت فقها از معصوم علیه السلام بوده و عامل تحریض مردم برای حضور، الگوی جهاد و شهادت امام حسین علیه السلام و مقاتله فی سبیل الله بوده است. مؤلف مآثر السلطانیه، در رابطه با فتاوی جهادیه علما به بحث نیابت علما از امام علیه السلام اشاره کرده و می نویسد:

در رساله شیخ جعفر و آقا سید علی که رأس و رئیس مجتهدین بودند، صراحتاً تعیین نیابت امام علیه السلام و وکالت فقهای ذوالعز و الاحترام در این مقام نگاشته ... [شده] است.^۱

مرحوم کاشف الغطا در فتوای خود به دعوت معصومین علیهم السلام به این جهاد اشاره می کند و حس ولایی مردم را برای شرکت در جهاد این گونه بر می انگیزد:

پیش گیرید پیشه شهدا را در امثال امر بضعة بتول زهرا. چه بخدا در این مقام حاضر است امام حسین علیه السلام و گویا در این کارزار شما را به یاری می خواند، و هم چنین خاتم انبیاء و سید اوصیا علیه السلام و سایر ائمه سیما صاحب این عصر و امام این عهد می فرماید: ای پیروان پاک اعتقاد! بدرستی که سیاست جهاد و ... مخصوص

۱. علی ابوالحسنی، جهاد دفاعی و جنگ صلیبی ایران و روس تزاری، ص ۹۳.

است به بزرگان بندگان از پیغمبران و ائمه امانا و کسی
که قائم مقام ایشان است از علماء.^۱

قائم مقام پس از نقل مضامین فتاوی کاشف
الغطاء و آقاسید علی اصفهانی می نویسد:

بنابر اجازت این دو نایب امام علیه السلام و صریح فتاوی
علمای اعلام، ظاهر است که جهاد بمتابعت پادشاه
زمان که مقصود از آن حفظ بیضه اسلام و مال و عرض و
جان و بلاد مسلمین باشد، مقاتله فی سبیل الله است.^۲

فتاوی علما در جریان اشغال جنوب ایران توسط
انگلیس در مقاطع مختلف، موجب حضور نیروهای
متدینی مثل رییس علی دلواری، حسین چاکوتاهی
و زائر خضرخان اهرمی و عموم مردم در میدان جنگ
شد که با مبارزه و شهادت خود، موجب عقب نشینی
دشمن و آزادی سرزمین های اشغالی شدند.

در جنگ های ایران و روس هم به تصریح
تاریخ نگاران بعد از فتاوی جهاد علما، شاهد حضور
پرشور و مقاومت دلیرانه مردم و آزادی بیشتر نواحی

۱. علی ابوالحسنی، جهاد دفاعی و جنگ صلیبی ایران و روس تزاری، ص ۹۶
۹۵.

۲. همان، ص ۹۸.

اشغال شده هستیم.^۱

هرچند از آنجا که فرماندهی و مدیریت حکومت و جنگ در اختیار علما نبود، ضعف مدیریت و فرماندهی قاجارها و البته خیانت انگلیس و فرانسه، موجب انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمانچای شد. در حالی که در دوران پس از انقلاب که فرماندهی کل قوا نیز در اختیار ولی فقیه بود در هیچ یک از تهاجم‌های دشمن یک وجب از خاک کشور جدا نشد.

۲. نهضت تحریم تنباکو

یکی از تحولات مهم سیاسی-اجتماعی ایران نهضت تحریم تنباکو برای حفظ منافع ملی ایران در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جریان هجدهم اقتصادی انگلیسی‌ها به ایران بود. عامل اصلی پیروزی در این نهضت و حفظ منابع اقتصادی کشور، فتوای تاریخی مرجع شیعیان مرحوم میرزا محمدحسن شیرازی بود. نحوه صدور این حکم و پیامدها و آثار آن حاکی از نقش محوری «ولایت» در این جنبش بزرگ و عظیم علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی است.

اولین نکته‌ای که در بررسی این حکم تاریخی قابل

۱. شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، صفحه: ۹۲. فسائی، حسن بن حسن، فارسنامه ناصری، جلد: ۱، صفحه: ۷۳۰

توجه است، اتحاد و استقبال عظیم و بی‌سابقه مردم از این حکم می‌باشد به گونه‌ای که در همان نصف روز اول، صدهزار نسخه از فتوای میرزا در تهران و دهات اطراف منتشر شد.^۱ این تبعیت عمومی از حکم میرزا به حدی است که از مجتهد و مرجع تقلید گرفته تا مقلدین، از مسلمانان گرفته تا یهودیان و مسیحیان، از متدینین گرفته تا عرق‌خورها و لوطی‌ها، از مردم عادی گرفته تا دربار ناصرالدین‌شاه و همسر او انیس‌الدوله همه از حکم میرزا تبعیت کرده و از استعمال تنباکو پرهیز کردند.

شکستن چپق‌ها و قلیان‌ها و ریختن آنها در مقابل اداره شرکت انگلیسی، ایجاد تلّی از قلیان‌های شکسته در دربار ناصرالدین‌شاه و تعطیلی دکان‌های قلیان‌سازی و هر نوع وسایل مربوط به دخانیات شاهی برای این ماجراست.^۲

این حرکت مردم تعجب فرنگی‌ها را نیز برانگیخت. شیخ حسن کربلایی در این زمینه می‌نویسد:

سفرای خارجه که مقیم دارالخلافه بودند به تمامی دول اروپ تلگراف‌ها بدین مضمون مخابره کردند که

۱. جعفریان، رسول، تاریخ دخانیه، ص ۱۱۸.

۲. همان، ص ۱۱۸، ۱۲۰.

واقعۀ عظیمی که اعظم وقوعات عالم است این که چیزی را که عادت شبانہ روزی عمومی مسلمانان حتی اطفال آنان و اعظم عادات ایشان بوده، به طوری که به هیچ چیز این گونه معتاد نبودند، به محض یک دو کلمہ نوشتہ منعی کہ به رئیس آیین خودشان نسبت داده شدہ، یک دفعہ چنان بالمرہ متارکہ نمودند کہ ارتکاب آن، در انظارشان عار و شنار است.^۱

همان طور کہ در تعبیر فوق از فرنگی‌ها نیز دیدہ می‌شود، این استقبال عظیم از جانب مسلمانان، عمدتاً بہ خاطر بعد دینی این حکم بود، نہ صرفاً مسائل اقتصادی و سیاسی.

یکی از شواہد تاریخی آن ہم نقل امین الدولہ است کہ می‌گوید: بٹاہایی کہ در خانہ ما کار می‌کردند بہ محض دیدن قلیان دست از کار کشیدند و گفتند: در خانہ‌ای کہ بدین وضوح بی‌دین باشند کہ قلیان بکشند، ما کار نمی‌کنیم.^۲

در تعبیر مختلفی کہ در این دورہ در مورد این حکم بہ کار رفته بحث نیابت میرزا از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در موارد متعددی مورد اشارہ قرار گرفتہ است. در مقالہ‌ای کہ یکی از علما در

۱. همان، ص ۱۳۱.

۲. روزنامہ خاطرات اعتماد السلطنہ، ص ۷۸۲، بہ نقل از همان.

عدم مشروعیت قرارداد تنباکونوشته آمده است:

جناب حجت الاسلام آقا میرزا دامه حجت امام [عصر]
است بر خلق؛ نقض حکم ایشان نقض حکم امام است
و وسوسه در بودن حکم از جناب ایشان مثل وسوسه
در قرآن است که آیا کلام خلق است یا فرمایش خالق.^۱

مرحوم میرزای آشتیانی که خود مرجع تقلید مردم
تهران بود، در ملاقات با نایب السلطنه که از صحت و
صدور این حکم سؤال کرده بود، می‌گوید:

این حکم از حضرت حجت الاسلام صادر شده و
مخالفت این حکم، بالقطع و الیقین مخالفت با امام
زمان عَلَّاهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّيْخُ است.^۲

علمای تهران نیز در پاسخ به درخواست دربار مبنی
بر اقدام آنها برای تغییر حکم میرزا گفتند:

غرض دولت از عقد این مجلس، هرگاه تدبیری
برای برداشتن منع و متارکه دخانیات است، شما، خود
می‌دانید که در این منع، ما را از هیچ رو مداخلیتی نبوده
و نیست. از جانب رفیع الجوانب حضرت حجت الاسلام
که نایب الامام و حکم جنابشان درباره مجتهد و مقلد

۱. همان، ص ۱۲۸، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۴۸، ۴۹.

۲. همان، ص ۱۳۱.

نافذ و واجب الاتباع است، در سرّمن رأی حکمی به منع استعمال دخانیات به تفصیلی که می‌دانید شرف صدور یافته و... ما نیز در این خصوص مثل آحاد مردم اطاعت نمودیم.^۱

لذا نقل شده که لوطی‌ها می‌گفتند: عرق را به امید شفاعت صاحب زمان عَلَّاهُ تَعَالَى می‌خورم، ولی چپق را به چه امیدی بکشم؟^۲ چپقی که میرزا کشیدن آن را محاربه با امام زمان عَلَّاهُ تَعَالَى دانسته است. برخی حتی معتقد بودند که این حکم میرزا در حقیقت توقیع و حکم امام زمان عَلَّاهُ تَعَالَى است که به واسطه میرزا به دست مردم رسیده است. مرحوم کربلایی در این زمینه می‌نویسد:

بسیاری از علما و فضلا و ارباب فضیلات و معرفت را در این خصوص عقیده بر این بود که این توقیع رفیع نورانی محققا از جانب ناحیه مقدسه حضرت امام عصر عَلَّاهُ تَعَالَى است که بر لسان قلم مبارک حجت الاسلام جاری گشته و بسیاری از مردمان راسخ العقیده را در این خصوص اطمینان کامل بود که البته آن جناب را از ناحیه مقدسه در این خصوص به شرف مخاطبه مخصوص، ممتاز و سرافراز فرموده‌اند.^۳

۱. همان، ص ۱۳۶.

۲. جعفریان، رسول، تاریخ دخانیه، ص ۱۱۹.

۳. همان، ص ۱۲۱ و ۱۲۲. تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۴۹، ۴۸.

بنابراین نهضت عظیم تنباکو که برای دفاع از منابع اقتصادی و منافع ملی ایرانیان در مقابله با هجمه اقتصادی استعمار انگلیس شکل گرفت، با حکم میرزای شیرازی و تبعیت مردم از این حکم بر اساس اعتقادشان به ولایت میرزا و نیابت او از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و یا اعتقادشان به توقیع خاص بودن آن از طرف امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، شکل گرفت که ولایت در آن نقش محوری و اساسی دارد. به همین جهت هم بعد از پیروزی نهضت، شور و نشاط دینی و معنوی مردم بیشتر شد و به تعبیر مرحوم کربلایی «دور مسلمانی از نو تجدید شد» و موجبات «کثرت جمعیت و ازدحام مسلمانان در مساجد و مجامع» فراهم آمد و جایگاه و اعتبار علما در میان مردم مسلمان و غیرمسلمان، ایرانی و خارجی و حتی در دربار بسیار ارتقاء یافت.^۱

۳. نهضت مشروطه

نهضت مشروطیت یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است که سرآغاز دوران جدیدی برای حاکمیت و سیاست در ایران بود. بررسی روند شکل‌گیری و تداوم این نهضت که ابتدا با عنوان «نهضت عدالتخانه» آغاز شد، حاکی از نقش محوری

۱. همان، ص ۲۱۷، ۲۱۸ و ۲۲۲، ۲۲۳.

عنصر «ولایت» در این تحول مهم تاریخی است. از جرقه‌های نهضت گرفته تا مراحل مهم نهضت مثل مهاجرت‌های صغری و کبری که منجر به صدور فرمان مشروطیت شد تا مشروطه دوم که قیام مجدد مردم علیه حاکمیت موجود صورت گرفت، به طور واضح و آشکاری نقش فقها و علمای طراز اول به عنوان نواب عام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را در قالب رهبران نهضت شاهد هستیم. از جمله مواردی که به عنوان جرقه‌های نهضت در تاریخ‌نگاری‌های مشروطه نام برده می‌شود بحث اقدام موسیو نوز بلژیکی در توهین به لباس روحانیت، خبر چوب خوردن مجتهد کرمان و اهانت حاکم قزوین به یکی از علما و وقایعی از این دست وجود دارد که فقط به دلیل ارادت خاص مردم به علما و فقها به عنوان نواب عام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام موجبات رنجش و ناراحتی آنها را فراهم آورده و زمینه‌ساز وقوع جنبش شده است. در شکل‌گیری جنبش نیز کسروی که خود شخصیتی ضد دین و ضد روحانیت است معترف است که علما پدیدآورندگان جنبش مشروطه در تهران بودند.^۱

بنابراین رهبری جنبش با علما و فقها بود و حضور

۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۲۸۵.

مردم هم کاملاً به تبع حضور علما و به اعتبار فتوای آنها بود. لذا در جریان مشروطه دوم نیز کسروی معتقد است اگر فتواهای علمای نجف نبود، کمتر کسی به یاری مشروطه می‌پرداخت. لذا تصریح می‌کند که ستارخان و باقرخان به اعتبار فتوای علمای نجف پا در عرصه مشروطیت نهادند و ستارخان بارها این را بر زبان می‌آورد که من حکم علمای نجف را اجرا می‌کنم.^۱

در یکی از فتوای علمای نجف برای مبارزه با استبداد به این نکته که این حکم، حکم خداست و همچنین به ارتباط حکم با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام اشاره شده و از تعبیر «محاربه با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام» برای مخالفت با مشروطه استفاده شده است:

بذل و جهد در استحکام و استقرار مشروطیت بمنزله جهد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و سرمویی مخالفت و مسامحه بمنزله خذلان و محاربه با آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه است.^۲

خواسته‌های مردم در جریان نهضت مشروطیت که در قالب خواسته‌های مهاجرین در مهاجرت صغری و کبری و یا شعارهای مردم در مراحل مختلف نهضت

۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۷۳۰.

۲. همان.

بروز کرده نیز حاکی از بعد دینی مشروطه و حرکت بر اساس خواسته‌های علما می‌باشد. این که به تعبیر کسروی خواست مردم رواج شریعت و احکام اسلام بود و حتی در دوران مشروطه در تبریز توجه و علاقه مردم به مسائل دینی مثل نماز جماعت، نتراشیدن ریش در سلمانی‌ها و... حاکی از همین مسأله است.^۱

حتی در تحصن سفارت انگلیس که به تحریک اعضای سفارت و با هدایت آنها شکل گرفت، خواسته‌های اولیه مردم حاکی از همین بحث است. اصناف مختلف بازار که در سفارت متحصن بودند، هر صنف در چادری مجتمع بود که برای معرفی صنف خود و خواسته اصلی خود شعری را بر سردر چادر نصب کرده بودند که محتوای این اشعار حاکی از نقش عنصر «ولایت» در شکل‌گیری جنبش مردمی در نهضت مشروطه است. به عنوان نمونه صنف تجار هدف خود از حضور در نهضت مشروطه را یاری امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بیان می‌کند:^۲

نموده‌ایم به پا خیمه با دل افکار

برای پیروی دین احمد مختار

۱. احمد، کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۸۵، ۱۶۵ و ۲۶۱.

۲. محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار ج ۱، ص ۷۶-۷۴.

به یاری شه دنیا و دین، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

به اذن حضرت حجت قسیم جنت و نار

همچنین صنف قهوه چیان این جنبش و حرکت

مردمی را ناشی از لطف و عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
می داند:

رسید بر سر عبوق خیمه و خرگاه

ز صنف قهوه چیان از عطا و مهر اله

نظر به لطف امام زمان زیپرو جوان

به جمع ملت خود از شرف شده همراه

بنابر آنچه گذشت، در نهضت مشروطه نیز که یکی
از تحولات مهم تاریخ معاصر محسوب می شود و در
بسیاری از تاریخ نگاری ها و تحلیل ها سعی می شود
حرکتی غربگرایانه تلقی شود، آثار دین و عناصر فرهنگ
دینی از جمله «ولایت» بسیار روشن و فراوان است.

در موارد مختلف هم تشبیه شرایط دوره مشروطه
با شرایط صدر اسلام و مشکلات و مصائب اهل
بیت علیهم السلام وجود دارد. مثل تأکید بر اینکه عامل شهادت
حضرت زهرا علیها السلام استبداد حاکم وقت بود. همچنین
تشبیه محاصره مردم تبریز و ممانعت رسیدن آذوقه به

شهر با محاصره اهل بیت و اصحاب امام حسین علیه السلام و ممانعت از رسیدن آب به خیمه‌ها.

۴. نهضت ملی شدن نفت

در نهضت ملی شدن نفت، نیز که حرکتی در دفاع از مهمترین منبع اقتصادی کشور و منافع ملی ایرانیان است، نقش عنصر «ولایت» در قالب ولایت فقها و فتاوای علما و همچنین تولی و تبری بسیار پررنگ است. فتوایی شرعی به ضرورت ملی شدن صنعت نفت با پیشگامی آیت الله سید محمدتقی خوانساری، از مراجع تقلید وقت، به همراه فتاوای مراجع تقلیدی چون آیت الله صدر، آیت الله حجت و آیت الله فیض، صادر شد و موجب قیام توده‌های وسیع مردم به حمایت از ملی شدن صنعت نفت شد.^۱

آیت الله کاشانی نیز با استفاده از نفوذ همیشگی علمای شیعه در میان مردم، نقش رهبری و هدایت مردم و کشاندن آنها به صحنه و مدیریت مبارزه و اعتراض را به خوبی ایفا کرد. همچنین تعداد زیادی از فقها در بیانیه‌های خود از ایشان حمایت کردند و فتوا به وجوب همراهی، همکاری و مساعدت با آیت الله کاشانی دادند.

۱. جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۱۱۷.

از جمله می‌توان به آیت الله چهارسوقی، آیت الله میرزا کاظم طباطبایی، آیت الله بهاء الدین محلاتی، آیت الله سید نورالدین هاشمی شیرازی، آیت الله طالقانی و ... اشاره کرد. همچنین آیت الله فقیه سبزواری از علمای مشهد نیز فتوا به لزوم خلع ید از شرکت نفت انگلیس می‌دهد.^۱

آیت الله کاشانی با دعوت و تشویق مردم به حضور در صحنه‌های مختلف مبارزه در این نهضت، حمایت از مصدق در مقاطع مهم و حساس نهضت، صدور بیانیه‌ها و مصاحبه‌های داخلی و خارجی، و تهدید به صدور فتوای جهاد در واکنش به حضور ناوهای انگلیسی در خلیج فارس و پیاده کردن چتر باز در ایران که موجب خروج انگلیسی‌ها شد، نقش مهمی را در شکل‌گیری و تداوم این نهضت ایفا کرد. ایشان همچنین از الگوی قیام حسینی برای دعوت مردم به مبارزه استفاده کرد. در مراسمی که به مناسبت اربعین در سال ۱۳۲۶ ش. در منزل ایشان برگزار شد، فرمودند:

درس شجاعت و فداکاری را از حضرت سید الشهداء بیاموزید مرگ ترس ندارد... اگر شما در کربلا بودید و ناله حسین علیه السلام را می‌شنیدید آیا آماده همراهی با آنان و هدف

۱. احمد رهدار، تحول شناخت عالمان شیعه از غرب، ص ۱۳۲، ۱۲۸.

می‌شدید یا خیر؟ اگر واقعاً آماده کمک به حسین بوده‌اید پس چرا حالا حاضر به متابعت از دین و روش مقدس او نیستید. آقایان نترسید. مسلمان نباید ترس داشته باشد، شهامت داشته باشید، ایمان خود را قوی کنید زیر بار ذلت نروید مرگ با شرافت بهتر از زندگی ننگین است.^۱

ایشان همچنین شرایط موجود را با شرایط دوران امام حسین علیه السلام مقایسه کرده می‌گویند: «حسین علیه السلام برای جلوگیری از اوضاع و احوالی نظیر آنچه ما امروز داریم تن به شهادت داد. اگر ما درس فداکاری را از حسین علیه السلام گرفته بودیم گرفتار اوضاع غیر قابل تحمل امروزی نمی‌شدیم.»^۲

در مجموع می‌توان گفت اگر آیت الله کاشانی و بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، مصاحبه‌ها، مذاکره‌ها و مهم‌تر از همه تهدیدهای وی. مثل تهدید انگلیس به صدور فتوای جهاد، تهدید شاه به معطوف کردن مبارزه به سوی دربار و ... نبود شاید خیلی زود مصدق و دیگر یاران ملی وی در برابر فشار بیگانگان، احزاب سیاسی مخالف و ... عقب می‌کشیدند و از ملی کردن نفت

۱. جلال الدین مدنی، پیشین، ص ۳۲۵.

۲. جلال الدین مدنی، پیشین، ص ۳۲۵-۳۲۴.

دست می‌کشیدند. چنان که با اختلاف ایجاد شده بین مصدق و آیت‌الله کاشانی عملاً چنین اتفاقی افتاد. اسناد انگلیسی بر این نکته صحه گذاشته و این امر را تأیید کرده است. در این اسناد آمده است: نفوذ کاشانی باعث شد که دکتر مصدق از راه مبارزه با انگلیسی‌ها منصرف نشود.^۱

عمده اقدامات و تهدیدات آیت‌الله کاشانی مستظهر به تبعیت مردم از ایشان به عنوان فقیه و نائب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و دلیل ترس و واهمه دشمنان داخلی و خارجی از تهدیدات ایشان نیز باور آنها به اعتقاد مردم به لزوم تبعیت از فتوای ایشان و سایر علما به عنوان نواب عام امام السلام علیه و پذیرش و تبعیت عملی از فتوای ایشان بود. به همین دلیل است که روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: آیت‌الله کاشانی می‌خواهد جای خلیفه مسلمین را بگیرد.^۲

۵. نهضت امام خمینی رحمة الله علیه

در نهضت امام خمینی رحمة الله علیه نیز عامل اصلی حضور مردم در مراحل مختلف، اعلامیه‌های مراجع شیعه

۱. روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، سند ۳، ص ۸۴.

۲. روحانیت و اسناد فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، سند ۵۵، ص ۱۸۴، ۱۸۲.

در قم، نجف، مشهد، تهران و سایر بلاد و در رأس آنها امام خمینی بود که در اعتراض به اقدامات شاه صادر شد و در مواردی با مقایسه شاه با یزید زمان حضور مردم در نهضت پررنگ‌تر شد. در این نهضت به تعبیر نویسندگان آمریکایی، امام خمینی توانست گروه‌های مختلف سیاسی از مذهبی‌هایی مثل بازماندگان فداییان اسلام گرفته تا نهضت آزادی و مجاهدین خلق و غیرمذهبی‌هایی مثل جبهه ملی، حزب توده، و فداییان مارکسیست را به سمت خود جلب کند و گروه‌های مختلف مثل خرده بورژواها، روشنفکران، کارگران و دهقانان همه امام خمینی را رهبر انقلاب مورد نظر خود می‌دانستند.^۱ حتی فردی مثل خسرو گلسرخی که یک مارکسیست لنینیست هست تصریح می‌کند که الگوی من برای مبارزه، حسین بن علی علیه السلام است.

همراهی امت و ملت در حمایت از منافع یکدیگر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با صدور تفکر انقلاب اسلامی به کشورهای اسلامی، در عرصه بین المللی و منطقه‌ای نیز همواره این پیوند مقدس بین مذهب و هویت ملی شکل‌دهنده جبهه مقاومت شد و باعث شد که در یک رابطه دوطرفه امت و ملت

۱. یراوند، آبراهامیان، پیشین، ص ۴۹۱-۴۹۲.

در کنار یکدیگر خطر دشمن را دفع نمایند. وقتی ملت ایران مثل دوران دفاع مقدس مورد حمله دشمن قرار گرفت اقشار مختلف امت اسلامی از عراق، افغانستان، پاکستان و ... در جبهه‌های جنگ علیه صدام بعثی حضور پیدا کردند و یا کشورهای اسلامی مثل سوریه و لیبی در دوران جنگ از ملت ایران حمایت کردند.

هرگاه امت اسلامی در فلسطین، عراق، لبنان، بحرین، افغانستان و ... با خطر مواجه شد، ملت ایران پیشگام دفاع از امت اسلامی شد. امت اسلامی نیز در قالب لشگرهای فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان، حیدریون عراق، حسینیون آذربایجان و حزب الله لبنان خطر داعش را از سر ملت ایران و عراق و سوریه و سایر ملت‌های منطقه کوتاه کرد. لذا امروزه این ملت امام حسین علیه السلام است که از منافع امت اسلامی و ملت‌های کشورهای مختلف دفاع می‌کند و این ملت امام حسین علیه السلام است که باطل‌کننده دوگانه امت و ملت در ایران و حتی جهان اسلام است.

جمع بندی

بنابر آنچه گذشت این هویت جدید ملی ایرانی که مهمترین عنصر آن عنصر ولایت شیعی است، عامل دفاع ملت ایران از منافع ملی خود در طول تاریخ بوده است. ملتی که به تعبیر حاج قاسم عزیز به رغم اعتقاد به ادیان و مذاهب مختلف و به رغم تعلق به گروه های فکری سیاسی مختلف و قومیت های مختلف، ملت امام حسین علیه السلام است و در همه حوادث با همین الگوی حسینی و محبت و ارادت به اهل بیت علیهم السلام و با رهبری نواب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف از منافع ملی خود پاسداری کرد. لذا دوگانه امت – ملت در ایران توهمی بیش نیست.

صدور این الگوی ترکیبی مذهب و ملیت به جهان اسلام، موجب نفی این دوگانه در عرصه منطقه ای و بین المللی و حمایت متقابل امت اسلامی و ملت ایران

و سایر کشورهای اسلامی شد و نتیجه آن افول قدرت
آمریکا و اذنا ب منطقه ای آن و ان شاء الله نابودی کامل
آنها و پیروزی امت اسلامی و ملت های مسلمان است.

شماره های پیشین ردیه:

- ردیه شماره ۱: تزامم اختیارات رئیس جمهور و ولی فقیه.
- ردیه شماره ۲: عزاداری و بررسی روایات نهی از آن.
- ردیه شماره ۳: اتهام جواز خشونت با اسرا در اسلام.
- ردیه شماره ۴: اسلام منهای روحانیت و روحانیت منهای سیاست.
- ردیه شماره ۵: مشروعیت مقاومت.
- ردیه شماره ۶: دو دولت برای فلسطین.
- ردیه شماره ۷: قیام ها و حکومت های پیش از ظهور.
- ردیه شماره ۸: حجاب و مسأله الزام به آن در حکومت اسلامی.
- ردیه شماره ۹: معاویه و اسلام اموی در تقابل با اسلام نبوی.

